

صفر و یک

گاهی چنان با قاطعیت نتیجه‌گیری می‌شود که گویا دواي همه مشکلات اجتماعی و ارضی و سماوی بشریت در دست با کفایت آن جمع قلیل است.

این رفتار تا وقتی که فردی و در حیطه جمع‌های دوستانه و خانوادگی است شاید کمتر آسیب‌رسان باشد. اما تداومش در حوزه‌های آکادمیک و در تحقیقات فاجعه‌بار است. متأسفانه در پایان‌نامه‌ها و مقالات و گزارش‌های پژوهشی دیده می‌شود که با ساده‌اندیشی و به‌راحتی نتیجه‌گیری می‌کنند و نتایج حاصل از پیمایش بسیار محدود خود را به یک کشور و حتی دنیا تسری می‌دهند. آنان چنان قاطعانه نظر می‌دهند و نظرات را به جمع بسیار وسیعی گسترش می‌دهند که گویا از امری بدیهی سخن می‌گویند؛ و از آن عجیب‌تر پیشنهادهای برگرفته از آن نتایج است که گاه، به راستی بنیانشان بر آب است.

در گفت‌وگوهای علمی و نوشته‌های پژوهشی عدم رعایت بعضی ویژگی‌ها موجب

یک مهندس، یک ریاضی‌دان، و یک فیزیک‌دان در اسکاتلند در حال مسافرت بودند. از پنجره قطار گوسفند سیاهی به چشمشان خورد.

مهندس گفت: می‌بینم که گوسفندان اسکاتلند سیاه‌اند.

فیزیک‌دان گفت: منظورت این است که بعضی از گوسفندان اسکاتلند سیاه‌اند.

ریاضی‌دان گفت: به نظر می‌آید همه آنچه ما می‌دانیم آن است که حداقل یک گوسفند در اسکاتلند هست و حداقل یک طرف آن گوسفند سیاه است!

شنیده‌ایم که مثلاً چون کیف فردی به سرقت رفته هفتاد میلیون را به دزدی متهم کرده است؛ دیده‌ایم چون کتاب موردنظر مراجعه‌کننده‌ای در مجموعه ما یافت نشده، نتیجه گرفته است که کتابخانه هیچ کتاب ندارد؛ شاهد بوده‌ایم که در گپ و گفت‌وگوهای دوستانه و خانوادگی معمولاً از هر دری سخن گفته می‌شود، از اقتصاد، سیاست، دین، پزشکی، و ... و می‌بینیم که

کاسته شدن ارزش و کیفیت گفتار و نوشتار می‌شود. یکی از این نکات پرهیز از قطعیت و جزمیت در نتیجه‌گیری و رعایت دقت و احتیاط در تسری نتایج است.

امروزه، در علوم مثل مکانیک و فیزیک هم، که قدما آن را علوم دقیقه می‌نامیدند، از جزمیت و قطعیت، به‌ویژه در نتیجه‌گیری، پرهیز جدی می‌شود. حتی به اعتقاد بسیاری از فیلسوفان علم، همچون پوپر، به نظریه‌ها و قوانین علمی هم که امروز کاربردهای بسیار گسترده‌ای دارند صرفاً باید به چشم حدس‌هایی نگریست که تاکنون ابطال نشده‌اند. این حدس‌ها تا زمانی برای ما معتبرند و کاربرد دارند که حدس بعدی آنها را ابطال کند و جایگزین آنها شود و این «حدس‌ها و ابطال‌ها» ادامه خواهد داشت.

امروز، برخلاف منطق صوری و حتی

منطق ریاضی، سخن از منطق فازی است که مبدع آن هم پروفیسور لطفی‌زاده ایرانی است. منطقی که صرفاً از درست و نادرست و صفر و یک سخن نمی‌گوید. منطقی که به قول گروهی منطق زندگی است. در زندگی هم فقط رنگ سیاه و سفید نیست. بین سیاهی و سفیدی بی‌نهایت طیف خاکستری وجود دارد که اتفاقاً در زندگی روزمره ما بیشترین کاربرد را دارند. به قول مولانا:

آنک گوید جمله حق‌اند او شقی است

وانک گوید جمله باطل احمقی است

این آموزه‌ها، همگی دال بر رعایت احتیاط در مطلق‌اندیشی، جزمیت، و تسری نتایج است. احتیاطی که رعایت آن بیانگر پابندی محقق به یکی از موازین مهم پژوهش علمی است.

فریبرز خسروی